

رهبر انقلاب در پیام تصویری پس از پیروزی ملت ایران تشریح کردند

حرف از تسلیم ایران برای دهان ترامپ بزرگ است

رهبر معظم انقلاب اسلامی در سومین پیام تلویزیونی به مردم، پیروزی ملت ایران بر رژیم صهیونیستی و ضربات مهلک نیروهای مسلح به این رژیم و همچنین پیروزی بر رژیم آمریکا و سبلی سخت جمهوری اسلامی به آن در برابر حمله بدون دستاورد آنها به مراکز هسته‌ای ایران را در خور تیر یک دانستند و با تأکید بر اینکه تیریک سوم، تیر یک اتحاد و اتفاق فوق‌العاده ملت ایران است، در خصوص اظهارات گستاخانه رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر تسلیم ایران، گفتند: «این اظهارات حقیقت‌دشمنی آنها با ملت ایران را افشا و مشخص کرد، بهانه‌های آنها همچون هسته‌ای، موشکی و حقوق بشر در واقع برای پنهان کردن این واقعیت است که به‌کثر از تسلیم ملت ایران راضی نمی‌شوند. البته ملت ایران همواره عزیز و پیروز است و هرگز چنین اتفاقی نخواهد افتاد و این مهم‌گوی رئیس‌جمهور آمریکا که برای دهان او هم خیلی بزرگ است، مایه استهزاء افراد خردمند و دان‌ا است.» به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای «متن بیانات رهبر انقلاب به شرح زیر است.

■ ■ ■

بسم الله الرَّحْمٰن الرَّحِیْم

سلام و درود فراوان به مَلّت عزیز و بزرگ ایران.
اوّلآ یاد شهیدان گران‌قدر حوادث اخیر را گرامی می‌دارم؛ سرداران شهید، دانشمندان شهید که حقّاً و انصافاً ارزشمند بودند برای جمهوری اسلامی و خدمت کردند و امروز در پیشگاه پروردگار، پاداش خدمات برجسته خودشان را دریافت می‌کنند ان‌شاءالله.
لازم می‌دانم به مَلّت بزرگ ایران تیریک عرض بکنم، چند تیریک به مَلّت عرض می‌کنم.
یکی تیریک پیروزی بر رژیم جعلی صهیونیست، رژیم صهیونی با آن همه هیاهو، با آن همه ادعا، در زیر ضربات جمهوری اسلامی تقریباً از پا در آمد و له شد. فکر اینکه چنین ضرباتی از سوی جمهوری اسلامی ممکن است بر رژیم وارد بشود، در ذهن آنها و مخیّله آنها خطور نمی‌کرد و اتفاق افتاد.
خدا را سپاس می‌گزاریم که به نیروهای مسلّح ما کمک کرد، توانستند از دفاع چندلایه پیشرفته آنها عبور کنند و بسیاری از مناطق شهری و نظامی آنها را زیر فشار موشک‌های خودشان و با تهاجم قوئّ سلاح پیشرفته خودشان با خاک یکسان کنند این یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است؛ این نشان‌دهنده آن است که رژیم صهیونیستی بلدانه که تعرّض به جمهوری اسلامی ایران برایش هزینه‌زا است، هزینه برای او ایجاد می‌کند، هزینه سنگین برای او به وجود

چه شاخص هایی طرف پیروز جنگ ۱۲روزه را نشان می دهند؟

تل آویو؛ جان به در برده



جنگ میان ایران و رژیم صهیونیستی فعلاً در قالب یک آتش بس اولیه متوقف شده است. آنچه از قضایا بر می آید، موضوعاتی است که باعث شکل گیری این آتش بس شدند؛ پایان تاب آوری رژیم صهیونیستی و عدم تمایل آمریکابه غلبیدن به جنگی دیگر در غرب آسیا. جنگی که ابعادش نسبت به جنگ‌های قبلی بزرگ‌تر به نظر می‌رسید. علی‌رغم این واقعیت، اما جبهه واشنگتن و تل آویو در صدد بزرگنمایی ضربات خود و کوچک کردن ضربات در یافتی برآمده‌اند. در این شرایط باید با طرح سؤالات و شاخص‌هایی طرف پیروز جنگ را شناخت.

■ ■ ■

۱ دلیل جنگ چه بود؟ تضعیف بازدارندگی؟

بازدارندگی ایران از چند جنبه نسبت به گذشته شاهد رشد بود و از این رو برای توضیح دلیل آغاز جنگ نمی‌توان به‌طور کامل ادعا کرد وقوع آن با تضعیف بازدارندگی ایران بوده است. آنچه رژیم صهیونیستی را به جنگ کشاند، چیزی فراتر از مسئله بازدارندگی بود که ریشه در موجودیتی شدن قضایا برای تل آویو داشت. موجودیتی شدن مسائل برای رژیم باعث شد زیان‌های وارده بر پیکره آن چندان مهم تلقی نشد و دولت و جامعه رژیم بدین‌رای آسیب‌ها شوند. علاوه‌بر موجودیتی شدن یا همراه آن، خطر تغییر موازنه قوا و عبور ایران از برخی خطوط پرگشت‌ناپذیر، از جمله در حوزه هسته‌ای نیز در سوچ یافتن رژیم صهیونیستی به سمت قمار جنگ اثرگذار بود. جمع این عوامل رژیم را به جنگ کشاند. هر چند ضربه به اضلاع مقاومت در شام در آن مؤثر بود، اما عامل اصلی به حساب نمی‌آمد.

صهیونیست‌ها زیر شلیک‌های چند عرصه‌ای و خطر جنگ منطقه‌ای جلو آمدند. پس تمام ماجرا به تضعیف هر حله‌ای باز نمی‌گردد. تل آویو در زمانی که بازدارندگی پیشین وجود داشت، با قبول ضربات تصمیم گرفت حرکت کند. اگر دلیل جنگ تضعیف بازدارندگی نبود هریشه در موجودیتی شدن مسائل برای رژیم صهیونیستی دارد، تا ناکامی تل آویو در تحقق اهداف در چنین وضعیتی یک شکست بزرگ برای آن است. اگر این در شرایطی که رژیم صهیونیستی به دلیل در خطر قرار گرفتن موجودیتش چندان با بازدارندگی کاری نداشت، موفق شد بازدارندگی پررنگ‌تری

ادامه از صفحه یک

زن ایرانی، از خلال زبان، حجاب، مراقبت، آموزش و روایت‌گری، عرصه‌ای از مقاومت را شکل می‌دهد که دوام و بُرد آن، از بسیاری از سازوکارهای مقاومت‌های نظامی فراتر می‌رود. در این میان، زنانی چون «سحر امامی» مجری شجاع رسانه ملی، نماد زنده‌ای از بازتعریف کنشگری زنانه‌اند؛ زنانی که شمعار «زن» زندگی، مقاومت» را سر لوحه خود قرار داده و از مرز شعار گذشته و آن را به کنش اجتماعی و فرهنگی بدل ساخته‌اند. واکنش زنان شجاع غزه و سحر امامی به حمله وحشیانه رژیم صهیونی را می‌توان «مقاومت روزمره در برابر خشونت‌های بی‌رحمانه» نامید، مقاومتی که لزوماً در قالب‌های مسلسلانه رخ نمی‌دهد، بلکه در ایستادگی فرهنگی و در پافشاری بر هویت متبلور می‌شود و از این رو با صراحت می‌توان گفت که رژیم صهیونیستی، در ابعاد روانی و رسانه‌ای جنگ خود نیز، متحمل شکست فجیع‌ی شده است، زیرا کنشگری رسانه‌ای زنان در غزه، ایران، یمن و بازشر روایت‌های زیسته آن، اعتبار اخلاقی و مشروعیت سیاسی را از نظام صهیونی سلب و روایت‌های حواشانه آن‌ها را افشا کرده است. هر تصویر از زن مقاوم، هر گزارش از مادر فلسطینی که در خرابه‌های غزه اجایی بر پا می‌کند و با بوی نان، امید به زندگی را بر می‌گرداند و هر داستان از زن‌سان خبرنگاری که در دل بحران گزارش تهیه می‌کنند، نه تنها بازتابی از



می آورد و ایجاد می‌کند؛ و بحمدالله این اتفاق افتاد؛ افتخارش متعلّق به نیروهای مسلّح و مردم عزیز زمان است که این نیروهای مسلّح را از درون خود ایجاد کردند، تربیت کردند، پشتیبانی کردند و دست (قوئّی) آنها را برای انجام یک چنین کار بزرگی فراهم کردند، قوی کردند.

تیریک دوّم مربوط به پیروزی ایران عزیز میان بر رژیم آمریکا است. رژیم آمریکا وارد جنگ مستقیم شد، چون احساس کرد که اگر وارد نشود، رژیم صهیونیستی به‌کلی نابود خواهد شد. وارد جنگ شد برای اینکه او را نجات بدهد، لکن هیچ دستاوردی از این جنگ نداشت. به مراکز هسته‌ای ما حمله کردند – که البته این به‌طور مستقل در خور پیگیری جزائی در دادگاه‌های بین‌المللی است – اثاث توانستند کار مهمی انجام بدهند. رئیس‌جمهور آمریکا در شرح آنچه واقع شده بود بزرگ‌نمایی غیر متعارفی کرد، معلوم شد که به این بزرگ‌نمایی احتیاج دارد؛ هر کسی می‌شنید آن حرف‌ها را می‌فهمید که در زیر ظاهر این حرف‌ها یک حقیقت دیگری وجود دارد. کاری نتوانستند انجام بدهند،

چه شاخص هایی طرف پیروز جنگ ۱۲روزه را نشان می دهند؟

تل آویو؛ جان به در برده

نسبت به گذشته در برابر واشنگتن و تل آویو ایجاد کند، این مسئله از ظهور بازدارندگی جدیدی حکایت دارد.

با این وجود هنوز مشخص نیست که آیا بازدارندگی جدید متولد شده یا در میانه آن قرار داریم که در آن احتمال ازسرگیری جنگ وجود دارد.

۲ طراحی دو هفته‌ای از ابتدای وقوع جنگ

از ابتدای جنگ، منابع رسانه‌ای ادعا کردند رژیم صهیونیستی تنها برای جنگی دو هفته‌ای برنامه‌ریزی کرده است.

از نظر رژیم صهیونیستی، آنچه باعث پایان این جنگ می‌شد، ضربات مؤثر به ایران و کاهش ذخایر موشکی بود تا جایی که تهران توان ادامه نداشته باشد. ایران اما ضربات را کنترل و با مدیریت ذخایر موشکی امکان ادامه جنگ را ایجاد کرد. با این وجود، تمام این موارد یک روی محاسبات جنگ را نشان می‌داد؛ دلیل مهم‌تر در طراحی جنگ برای دو هفته، تاب آوری پایین رژیم در برابر ایران آن هم در بهترین شرایط بود. صهیونیست‌ها این دو هفته را بر فرض کاهش شلیک موشک‌های ایران و کارایی بالای پدافند خود تعیین کرده بودند که نشان می‌دهد آن‌ها تا چه میزان آسیب‌پذیرند؛ به عبارتی آن‌ها در صورتی که موفق می‌بودند، تنها برای دو هفته جنگ ظرفیت داشتند. آنچه اهمیت بالایی دارد، در نظر گرفتن ورود محور مقاومت به نبرد هاست؛ یعنی دقیقاً آنچه حمله به ایران تضعیف آن معرفی می‌شد. تل آویو نگران بود فرسایشی شدن جنگ با تشدید اوضاع و تضعیف رژیم، منجر به ورود گروه‌های مقاومت به جنگ شود. همان گروه‌هایی که ادعا می‌شد ضربه به آن‌ها باعث کنار رفتنشان از معادلات شده است.

ضربه‌ای که گروه‌های مقاومت در شام خوردند قابل انکار نیست، اما این مسئله با حذف آن‌ها از معادلات فاصله داشت.

۳ درخواست ورود آمریکا به جنگ

در این خصوص دو روایت وجود دارد؛ روایت نخست بر این منباست که قرار بود پس از تهاجم اولیه رژیم صهیونیستی طی یک هفته، آمریکا با ارزیابی نتایج وارد نبردها شود. برخی نیز در قالب همین سناریو مدعی‌اند که رژیم امیدوار بود در صورت موفقیتش در روزهای ابتدایی جنگ، آمریکا برای پیوستن به آن ترغیب شود.



به مقصودی که داشتند نتوانستند برسند و بزرگ‌نمایی می‌کنند تا حقیقت را بپوشانند و مکتوم نگه دارند. اینجا هم جمهوری اسلامی پیروز شد و متقابلاً جمهوری اسلامی سبلی سختی به گونه‌ای آمریکانراخت؛ به یکی از پایگاه‌های مهم آمریکادر منطقه، پایگاه العلبدین، حمله کرد و خساراتی وارد کرد. همان کسانی که در آن قضیه بزرگ‌نمایی کرده بودند، در این قضیه سعی کردند کوچک‌نمایی کنند، بگویند هیچ اتفاقی نیفتاده، در حالی که اتفاق بزرگی افتاده بود. اینکه جمهوری اسلامی دست‌رسی داشته باشد به مراکز مهم آمریکادر منطقه و هر وقت مقتضی دانست علیه آنها اقدام بکند، این حادثه کوچکی نیست، حادثه بزرگی است، در آینده هم این حادثه قابل تکرار است؛ در صورتی که تعرّضی صورت بگیرد، هزینه دشمن و هزینه متعرّض قطعاً هزینه بالایی خواهد بود. تیریک سوّم تیریک اتحاد و اتفاق فوق‌العاده ملت ایران است. بحمدالله یک مَلّت در حدود نود میلیون جمعیت، یکپارچه، یکصد، شانه‌به‌شانه، در کنار هم، بدون هیچ گونه تفاوتی در خواسته‌ها و در مقاصدی که ابراز می‌کنند، ایستادند، شعار دادند،

■ ■ ■



روایت دوم بر این منباست که آمریکا به هر دلیلی قصد ورود متکرانه و فعالانه به جنگ را نداشت؛ چه به این خاطر که از ابتدا هدفی برای ورود نداشت و چه اینکه با مشاهده پاسخ‌های ایران از حوسنت به جنگ تمام‌عمر مصرقش.د. به نظر می‌رسد تحولات بیشتر با سناریو دوم انطباق دارد.

آمریکا برای نجات رژیم وارد جنگ شد، اما به گونه‌ای ورود خود را تنظیم کرد که باعث شکل گیری جنگ تمام عیار نشود. آمریکا حمله را از پیش به ایران اطلاع داد، حمله خود را به تأسیسات هسته‌ای محدود و ابعادش را کوچک کرد؛ در نتیجه آسیب‌ها اندک و آسیب جانی صفر بود.

۴ خارج شدن اروپا از دور حمایتی

نسب عمواضع و رفتار اروپایی‌ها در طول جنگ تفاوت‌هایی از نظر مقطعی دارد. در ابتدائو حتماً لفظی و عملی اروپا از صهیونیست‌ها بسیار تند بود. تندترین مواضع توسط صدراعظم آلمان و رئیس‌جمهور فرانسه اتخاذ شده و نخست‌وزیر انگلیس نیز همراه آن‌ها بود. در حوزه عملی، آن‌ها در ففاع به‌طور مستقیم و تهاجم به شکل غیر مستقیم ورود داشتند. سامانه‌های پدافندی زمین‌پایه و بیشتر از آن جنگنده‌های اروپایی در رهگیری پهپادهای ایران نقش ایفا کردند. در حوزه تهاجم، اخباری مبنی بر حضور سوخت‌رسان‌های آلمانی در عملیات هوایی رژیم وجود داشت. از سوی دیگر، کمک ناوشکن‌های انگلیسی به مسیرپایی و هدایت موشک‌های پرتابی به سمت ایران آشکار شد. در یک نوبت، ناوشکن انگلیسی به دلیل نزدیکی بیش از اندازه به سواحل ایران با واکنش نیروی دریایی ارتش مجبور به عقب‌نشینی شد.

۵ درخواست آتش بس

رژیم صهیونیستی و آمریکادر ساعات منتهی به آتش بس درخواست آن را مطرح کردند. پس از اجرای عملیات «بشارت فتح» توسط ایران علیه پایگاه العلبدین در قطر به عنوان مهم‌ترین پایگاه آمریکا در منطقه و متمایل شدن آتش جنگ به سمت خلیج فارس که با شلیک‌های متعدد مقاومت عراق به سمت پایگاه‌های آمریکا در عراق و سوریه همراه شد، واشنگتن از سران قطر خواست تا برای میانجیگری قدم بپیکشازند.

درخواست آتش بس همزمان توسط آمریکا و رژیم صهیونیستی حقیقت ماجراست،

■ ■ ■

مشکوک نباشید

ادامه از صفحه یک

مقابله با اهداف اول و دوم اسرائیل مربوط به دستگاه‌های امنیتی و نظامی کشور است و ان‌شاءالله در آن بخش‌ها همه برنامه‌ریزی‌ها انجام شده تا در صورت شرارت مجدد دشمن، کشور کمترین آسیب را ببیند و صهیونیست‌ها همچنان زیر ضرب سنگین نیروهای ایرانی باقی بمانند؛ اما بخش سوّم کاملاً به ساساخت‌های فرهنگی و رسانه‌ای کشور بر می‌گردد. اجازه بدهید کمی صریح‌تر حرف بزنیم، رهبر انقلاب در پیام روز پنجشنبه از ملت ۹۰ میلیونی ایران گفتند که همدل و همدوش، شکست را به اسرائیل و آمریکا تحمیل کردند. در سخنان رهبری هیچ خط‌کشی‌ای بین مردم انجام نشد؛ خط همان است ایران دوستان و ایران ستیزان، اما هم‌زمان با این سخنرانی راهبردی رهبری در برخی برنامه‌ها و تولیدات رسانه‌های رسمی و غیر رسمی مسیری دیگر طی می‌شود. یک مسئول مهم رسانه‌ای در گفت‌وگوی یک دشمن فرضی می‌سازد که می‌خواهد بدون نام خدا از ایران دفاع کند و از پارادایم پارادایم آغل رومنا می‌کند.

یکی از روستن‌فکران سعی می‌کند دعوی امت – ملت راه بیندازد. در برنامه دیگری در رسانه رسمی گزارشی منتشر می‌شود که هنرمدانی را که در ماجرای اخیر موضع گرفته‌اند به دو بخش تقسیم می‌کند؛ آن‌هایی که سفت و محکم موضع گرفته‌اند و آن‌هایی که خیلی معمولی فقط به بحث وطن اشاره کرده‌اند

حرف زدنند، از رفتار نیروهای مسلّح حمایت کردند، بعد از این هم همین خواهد بود. مَلّت ایران بزرگواری خودش را، شخصیت برجسته و ممتاز خودش را نشان داد در این قضیه و نشان داد که در هنگام لازم، یک صدا از این مَلّت شنیده خواهد شد، و بحمدالله این اتفاق افتاد.

نکته‌ای که من می‌خواهم به عنوان یک نقطه اساسی عرایضم عرض بکنم این است که رئیس‌جمهور آمریکادر یکی از بیاناتش و اظهاراتش گفت ایران باید تسلیم بشود. «تسلیم بشود» ابحت غنی‌سازی دیگر نیست، بحث صنعت هسته‌ای نیست، بحث تسلیم ایران است. البته این حرف برای دهان رئیس‌جمهور آمریکاخلی بزرگ است. ایران با عظمت، ایران با این تاریخ، ایران با این فرهنگ، ایران با این عزم پولا دین ملّی، اسم «تسلیم» برای یک چنین کشوری مایه استهزاء کسانی است که مَلّت ایران را می‌شناسند. لکن این اظهار او یک حقیقتی را ولوداد؛ آمریکایی‌ها از قول انقلاب با ایران اسلامی مشغول معارضه هستند، پنجه می‌افکنند، هر دفعه‌ای هم یک بهانه‌ای دارند؛ یک بار حقوق بشر است، یک بار دفاع از دموکراسی است، یک بار حقوق زن است، یک بار غنی‌سازی است، یک بار اصل مسئله هسته‌ای است، یک بار مسئله ساخت موشک است؛ بهانه‌های گوناگونی می‌آورند، اما باطن قضیه یک چیز بیشتر نیست و آن «تسلیم ایران» است. قبلی هانمی گفتند این را، چون این قابل قبول نیست؛ در هیچ منطق بشری قابل قبول نیست که به یک ملّتی بگویند بیایید تسلیم بشوید، لذا آن رازیر عناوین دیگری پنهان می‌کردند. این شخص لو داد آن حقیقت را، نشان داد و فهماند که آمریکایی‌ها فقط به تسلیم ایران راضی می‌شوند و نه به‌کثر از آن و این یک نقطه مهمی است! مَلّت ایران بدانند [علّت] معارضه با آمریکا این است و این اهانت بزرگ به مَلّت ایران را آمریکایی‌ها دارند و چنین اتفاقی هم هرگز نخواهد افتاد؛ هرگز نخواهد افتاد. مَلّت ایران مَلّت بزرگی است، ایران کشور قوی و پهناوری است، ایران دارای تمدّن کهنی است؛ ثروت فرهنگی و تمدّنی ماصدها برابر بیشتر از آمریکا امثال آمریکا است. اینکه کسی توقع کند که ایران تسلیم کشور دیگری بشود، این یکی از آن مهمل‌گویی‌های غلطی است که یقیناً مایه استهزاء افراد خردمند و افراد دانا واقع خواهد شد. مَلّت ایران عزیز است و عزیز خواهد بود، پیروز است و پیروز خواهد بود به توفیق الهی و امیدواریم خدای متعال این مَلّت را در زیر سایه الطاف خودش همیشه با عزّت و شرف محفوظ بدارد، درجات امام بزرگوار را عالی کند و حضرت نبیّه‌الله ((و احفاده)) را از این مَلّت، راضی و خشنود کند و کمک آن بزرگوار، پشتیبان این مَلّت باشد.

والسلام علیکم ورحمه‌الله وبرکاته

■ ■ ■



در حالی که برداشت عمومی آتش بس صرفاً میان ایران و رژیم صهیونیستی است؛ بدون توجه به درخواست‌دهندگان و دو موردی بودن آن‌ها.

۶ شلیک آخر

شلیک آخر اهمیت بالایی را در تشخیص دست‌بالا در جنگ دارد؛ هم از لحاظ تصویرسازی و هم از نظر قدرت تمام‌کنندگی و پایان واکنش دشمن. رژیم صهیونیستی در ساعات منتهی به آتش بس شدیدترین حملات از آغاز جنگ را به‌ویژه علیه تهران اجرایی کرد تا ضمن نشان دادن دست برتر خود القا کند ایران اگر توانمند بود می‌توانست، پس از حمله تاجرانمرند حتماً پاسخ می‌داد؛ اما ایران موفق شد تصور و تنگنای پیش‌بینی شده را بشکند. موج ۲۲ عملیات وعده‌صادق ۳ نته‌ها آخرین عملیات ایران، بلکه آخرین شلیک بزرگ جنگ بود.

تمرکز این حمله بر شهر برسمع و مهم‌ترین و مهم‌ترین شهر رژیم صهیونیستی در مرکز و جنوب سرزمین‌های اشغالی قرار داشت. این حمله با واکنش جدی سران رژیم به‌ویژه اسحاق هرتزوک، رئیس رژیم صهیونیستی و آوگلدور لیبر من، رهبر یکی از احزاب مهم پارلمان و وزیر سابق جنگ مواجه‌شد. این واکنش هادر شرایطی ابراز شد که قضایا سانسور و جهت‌دهی بر رسانه‌ها و افکار عمومی حاکم بود.

۷ احساس جبهه داخلی رژیم صهیونیستی

بر اساس نظرسنجی روزنامه عبری زبان معاریو، ۶۵ درصد از پرسش‌شوندگان در پاسخ به این سؤال که «آیا اسرائیل در جنگ علیه ایران به پیروزی رسید؟» گفته‌اند «خیر». این افراد کسانی‌اند که تحت‌بمباران ادراکی و رسانه‌ای قرار دارند؛ به عبارتی دیگر اخبار تر و هوا و حملات مختلف به ایران و نابودی تأسیسات هسته‌ای را شنیده و باور کرده‌اند.

از سوی دیگر، شنیده‌اند موشک‌های ایران رهگیری شده و در سایه سانسور از اخبار مرتبط با موشک‌باران تأسیسات و اماکن نظامی و اطلاعاتی بی اطلاع مانده‌اند. با این حال، آن‌ها تحت‌بمباران تبلیغاتی درباره موفقیت‌ها و سانسور ضربات وارده، رژیم صهیونیستی را پیروز نمی‌دانند! دلیل چه می‌تواند باشد؟ آنچه‌آن‌ها با وجود همه محدودیت‌ها حس کرده و در پیرایش تاتیل‌نیاورده‌اند، ضربات موشکی ایران است. این ضربات به دلیل هدف قرار دادن مقرهای مخفی و پوششی و یا تأسیسات حومه‌ای مثل پالایشگاه نفت حیفا، توسط ساکنان حس شده‌اند.

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

و بعد کارشناسی در برنامه می‌گوید آن‌هایی که سفت موضع نگرفته‌اند؛ نگران آینده‌شان هستند. انصافاً سطح عقل در رسانه بزرگ رسمی کشور را ببینید، همان شب در یکی دیگر از برنامه‌های تلویزیون عملاً مناظره‌ای با موضوع سیاست داخلی برگزار می‌شود. چکیده عقل و هنر دوستان در شرایطی که اسرائیل از همه ۹۰ میلیون ایرانی زخم‌خورده این است که دوگانه ملی‌گرایی – امت‌گرایی را احیا و این شکاف را تعمیق کنند، انصافاً اگر اسم این عقب‌ماندگی فرهنگی و رسانه‌ای نیست پس چیست؟ اساساً فرض کنیم چنین دوگانه‌هایی اصیل و واقعی هستند (که نیستند) در این شرایط کدام امت‌گرایی از حمله به ملی‌گرایی سود می‌برد و کدام ملی‌گرا فکر می‌کند با حمله به نیروهای ایدئولوژیک امتی آورده‌ای دارد؟ نمی‌خواهم پای ایده‌های دایی جان پاپلونی را پیش بکشم و بگویم وقتی امکان رسوخ و نفوذ در سطح امنیتی متغنی نیست، چرا نباید همین احتمال را برای فرهنگ و رسانه هم داد؟ اما می‌خواهم بگویم این سطح از کودک‌مایی در رسانه هم طبیعی نیست.

علی‌ای حال صیانت از استسجام ۹۰ میلیون ایرانی و همگرایی آن‌ها با هر نگاهی یک وظیفه ملی است، آن طرح صیانت کذایی را که عامل انشقاق بود، فراموش کنید. طرح صیانت از همبستگی ملی حاصل از دفاع ملی را سلباً و ایجاباً کالبد بزنید.